تحلیلی بر ژئوپلتیک خراسان بزرگ با محوریت تاپی

دکتر عزت الله عزتی[۱]، مریم بابی لاشکی[۲]

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۹/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۹

چکیده :

خُراسان از دوران ساسانیان نامی کلی برای اشاره به نواحی شرقی ایران است . قلمرو تاریخی خراسان شامل استان خراسان در ایران کنونی و بخش‌های عمده‌ای ازافغانستان و ترکمنستان امروزی بوده و در مفهوم گسترده‌تر ازبکستان و تاجیکستان و بخش‌هایی ازقرقیزستان و قزاقستان را هم می‌توان در قلمرو خراسان بزرگ به حساب آورد . قسمت اعظم خراسان بزرگ در شرق خزرامروزه به آسیای مرکزی معروف است . در دو دهه اخیر به ویژه پس از سقوط شوروی وجود منابع با ارزش انرژی بویژه گاز موجب توجه بیشتر جهانی به این مناطق شده وکشورهای شرق و جنوب آسیا از جمله بازارهای بزرگ مصرف گاز خزر هستند . اما محصور بودن این کشورها در خشکی انتقال این منابع را با مشکل مواجه کرده است . یکی از این گزینه ها ی انتقال گاز این منطقه ، انتقال گاز ترکمنستان به هند (تاپی) از طریق خاک افغانستان و پاکستان است . این مقاله بدنبال پاسخ به این سوال است : چه مشکلات و موانعی در ایجاد خط لوله تاپی وجود دارد .

واژگان کلیدی : خراسان بزرگ ، ژئوپلتیک ، آسیای مرکزی ، خزر ، ترکمنستان ، تاپی

روش تحقیق :

گردآوری اطلاعات برای انجام تحقیق بر پایه روش تحلیلی – توصیفی و با تکیه بر اطلاعات جمع آوری شده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی صورت گرفته و تلاش شد تا از جدیدترین وموثق ترین اطلاعات کتابخانه ای و آماری منتشرشده ازمراکز وموسسات معتبر بین المللی استفاده شود .

۱ –دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
۲ –نویسنده مسئول: دانشـــجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اســـلامی واحد علوم و تحقیقات تهران،
yahoo.com@Ragz۱۳۴۹

مقدمه:

خُراسان بخشـــی از ایران بزرگ و از دوران ساسانیان نامی کلی برای اشاره به نواحی شرقی ایران است. گر چه سرزمین خراسان در طول تاریخ، هیچ گاه مرز ثابت جغرافیایی نداشته و عوامل مختلفی، محدوده‌اش راهمواره کاهش یا گسترش میداده اما قلمرو تاریخی خراســان بزرگ شــامل اســتان خراســان در ایران کنونی و بخش‌های عمده‌ای ازافغانستان و و ترکمنســتان امروزی بوده‌اســت. در مفهوم گسترده‌تر ازبکســتان و تاجیکســتان و بخش‌هایی ازقرقیزســتان و قزاقســتان را هم می‌توان در قلمرو خراسان بزرگ تاریخی به حســاب آورد. (ویکی پدیا) واقع شــدن همه این مناطق در محدوده خراسان بزرگ موجب ایجاد پیوندهای فرهنگی، تاریخی، مذهبی و سیاسی میان آنها در طول تاریخ شد.

امروزه قسمت اعظم خراســان بزرگ در شرق دریای خزر به آسیای مرکزی معروف است. کشــورهای آسیای مرکزی از نظر ژئواستراتژیکی، موقعیت برجسته ای در نقشه جهان دارند اما آنچه که بویژه در دو دهه اخیــر موجب توجه جهانی به این مناطق شده است وجود منابع با ارزش نفت و گاز است. توجه جهانی به گاز بعنوان سوختی ارزانتر و با آلودگی کمتر، در کنار جهش اقتصادی دهه های گذشــته جنوب آسیا، این کشورها را به یکــی از متقاضیان بزرگ گاز منطقه تبدیل کرده اســت .ترکمنستان از جمهوریهای آسیای مرکزی است که با وجود ذخایر عظیم گازی و نزدیکی جنوب آسیا، یکی از گزینه های مهم تامین گاز این کشورها محسوب میشود

. از ســوی دیگر محصور بودن در خشــکی و عدم دسترسی به آبهای آزاد موجب وابســتگی آســیای مرکــزی از جمله ترکمنستان به همســایگان خود بویژه روســیه و ایران برای انتقال انرژی به بازارهای جهانی شــده اســت. در سالهای گذشته این کشــور تنوعبخشــی به مســیر صادرات گاز را اســتراتژی اصلی خود قرار داده اســت .این کشورسعی دارد که با احداث خطوط انتقال نفت و گاز از مســیرهای متفاوت، محدودیت‌های خود را به فرصت تبدیل کند.

در این مقاله به یکی از مســیرهای انتقال گاز ترکمنستان به هند موسوم به تاپی اشاره میشود. بدلیل ترانزیت گاز از خاک افغانستان و پاکســتان، با وجود وضعیت نامناسب سیاسی و امنیتی در دو کشور بویژه در افغانســتان و تداوم جنگ در این کشور، موانع متعددی در اجرای این پروژه دیده میشود که در این مقاله به تاثیرات این موانع در عملی شدن این پروژه اشاره میشود. یافته های این تحقیق نشــان میدهد موانع زیادی در مسیر انتقال گاز ترکمنســتان به هند وجود دارد که در صورت حل نشدن آنها در روند احداث لوله و انتقال گاز اختلال ایجاد خواهد شــد و مســیر ایران برای عبور انرژی آسیای مرکزی بویژه ترکمنستان به جنوب آســیا، اقتصادی ترین مسیربوده و از امنیت بیشتری نیز در مقایســه با دیگر مسیرها برخوردار است.

مفهوم نظری ژئوپلتیک:

واژۀ ژئوپلیتیک برای اولین بار در ســال ۱۸۹۹ توسط رودلف کیلن سوئدی به کار برده شــد .دردیدگاه وی کشور موجودی زنده تصورمیشــد که ســاختاری ۵ وجهی دارد. او ســاخت فیزیکی –فضایی کشــور راژئوپلتیک نامید. اما ژئوپلتیک در معنای عمومی خود یعنی نقش عوامل جغرافیایی در سیاست قدمتی بسیار زیاد دارد. ژئوپلتیک در ماهیت جدید خود از اواخر قرن نوزدهم میلادی و متاثر از تحولات اروپا شکل گرفت. (کریمی پور، ۱۳۸۵، ص ۱۲)

لوتواک در ســال ۱۹۹۰ م. پارادایــم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده وارد علوم جغرافیایی سیاسی کرد. (اتوتایل، ژیروید و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۲۸۹). وی خبر از آمدن نظام جدید بین المللی در دهه نود داد که در آن عوامل اقتصادی جایگزین اهداف نظامی می شــوند و عامل درگیریها دیگر موضوعات دوران گذشــته نیســت، بلکه در کنار هر تنشــی یک عامل اقتصادی خودنمایی می کند. (کمپ و هــارکاوی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷)

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییرات عمده ای در حوزه مفهومی ژئوپولیتیک روی داد، به گونــه ای که ژئوپولیتیک از رهیافت نظامی و ژئواستراتژیک، رویکردی ژئواکونومیک یافت. تحولات پــس از فروریزی دیوار برلیــن در ۱۹۹۸ و فروپاشی شــوروی در ۱۹۹۱ جهان را وارد مرحله جدیدی از تعاملات سیاسی و ژئوپلتیکی گردید.

زیرا عوامل ناشی از تحوات فوق چرخشی را در تغییر ساختار و تدوین تفکرات ژئواستراتژیکی جهان پدید آورد که بر اساس آن برتری قدرت و توسعه برخلاف آنچه که در استراتژی نظام جهانی حاکم بر قرن بیستم تعریف میشد در قرن بیست و یکم در پرتو برتری اقتصادی جهت دستیابی به قدرت قابل تعریف شــد. (عزتی، ۱۳۸۹) با این تحولات در قرن بیســت و یکم معیار قدرت، توانمندی اقتصادی در سطح بین المللی و کنترل نظام تولید و عرضــه و مصرف کالاهای اقتصادی اســت و مناطق ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک مناطقی هستند که از منابع سرشار طبیعی برخوردار بوده و تولید ناخالص ملی چشمگیری دارند. اما این به معنای حل و فصــل بحرانهای ژئوپولیتیکی و ایدئولوژیکــی میان دولتها و ملتها نیســت زیــرا بحرانها و اختلافات ژئوپولیتیکی از پایداری و تداوم نسبی برخوردار بوده و به سادگی قابل حل و فصل نیســتند (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸)

موقعیت اقتصادی سیاسی خراسان بزرگ:

ویژگی‌های جغرافیایی خراسان بزرگ یعنی زمین‌های گسترده کشت‌پذیر و جای گرفتن بر سر راه‌های تجاری شرق و غرب بویژه جاده ابریشم، در کنار تمدن های بزرگ برخاسته از این نقطه، موجب شد این منطقه همواره مانند جاده ای برای پیوند مردم، جابجایی کالاها و اندیشه ها بین اروپا، خاورمیانه، آسیای جنوبی و آسیای شرقی عمل کرده است. این عامل از گذشته تا کنون این منطقه را بعنوان یک مرکز بزرگ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در کانون توجه جهانی قرار داده است.

امروزه نیز اگر چه محدوده حاکمیت کشورها بوسیله مرزهای سیاسی ترسیم شده، لیکن وجوه مشترک تاریخی، فرهنگی و مذهبی که ریشه در تاریخ مشترک آنان دارد، مردم دو سوی مرزها را همچنان با هم مرتبط نگهداشته است. این مساله میتواند شرایط و زمینه مناسب و لازم را برای اشتراک مساعی و برقراری روابط پایدار و گسترش مبادلات فرهنگی و اقتصادی بین این کشورها فراهم کند. با توجه به وجود جاذبه های مناسب برای فعالیت اقتصادی در نقاط مشترک مرزی، همکاری کشورهای منطقه در این عرصه و فرآیند وابستگی متقابل کشورها میتواند منجر به توانمند سازی مرزنشینان شده و همچنین موجب توسعه امنیت و ثبات منطقه نیز خواهد شد. امروزه کشف ذخایر عظیم گاز در ترکمنستان و منابع معدنی و ذخایر اثبات شده گازدر افغانستان، در کنار توانمندیهای اقتصادی در شرق ایران بویژه امکان ارتباط شرق خزر با سواحل اقیانوس هند از طریق خراسان ایران، راه را برای همکاری های بیشتر اقتصادی همسایگان هموارتر کرده است. از این منظر میتوان با ایجاد شبکه مبادلات اقتصادی در این منطقه و ارتباط آن با شرق و جنوب آسیا منطقه اقتصادی بزرگتری را تشکیل داد. با توجه به نیاز فراوان جنوب آسیا به انرژی و فراوانی ذخایر انرژی در ترکمنستان و ایران، میتوان با ایجاد مسیرهایی برای عبور انرژی از این منطقه به پاکستان و هند، زمینه همکاری بیشتر بین این کشور ها را فراهم کرد.

جایگاه ژئوپلتیکی آسیای مرکزی

همانطور که اشاره شد امروزه قسمت اعظم خراسان بزرگ در شرق دریای خزر به آسیای مرکزی معروف است. این منطقه با نزدیک به ۶۰ میلیون جمعیت و ۳۹۹۴۴۰۰ ک. م مربع مساحت، نزدیک به ۱۰ درصد مساحت قاره آسیا را به خود اختصاص داده است. تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان و قرقیزستان، میان روسیه، چین و هند قرارداشته و از جنوب بلوک کشورهای مسلمان، یعنی افغانستان، ایران و پاکستان آن را احاطه کرده اند. (شربیانی، ۱۳۸۷، ص ۹۳)

در طی دوره ی جنگ سرد، آسیای مرکزی، به دلیل کشمکش های قومی یک منطقه ی ناپایدار فرض می شد. بعد از جنگ سرد، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی آسیای مرکزی، منابع و ذخایر فراوان نفت و گاز خزر، موقعیت گذرگاهی، ارتباطی و ارزش استراتژیک دریای خزر، کنترل تولید منابع و خطوط لوله انرژی، توان تأثیرگذاری بر بحرانهای منطقه و علائق مشترک فرهنگی، تاریخی و اقتصادی میان کشورهای منطقه با برخی همسایگان، باعث شده است که قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای برای تحقق اهداف خود و پرکردن خلاء قدرت کشورهای این منطقه پس از استقلال، در آسیای مرکزی به رقابت با یکدیگر بپردازند. (افشردی، ۱۳۸۱، ص ۶) و موجب شد علاوه بر شریک قدیمی سیاسی و اقتصادی این منطقه یعنی روسیه، شماری از کشورها مانند ترکیه، پاکستان، هند و ایالات متحده امریکا، اروپا و چین به علت فراوانی منابع طبیعی نظیر نفت و گاز، نیز به این منطقه علاقه نشان داده اند.

از دیگر مشکلات کشورهای آسیای مرکزی اینست که این کشورها فاقد مسیر های مشخص و مطمئن برای انتقال نفت و گاز به بازارهای جهانی هستند. و علیرغم ذخایر بالای انرژی در این منطقه اما محدود بودن در خشکی و عدم دسترسی به دریای آزاد موجب شده حمل ونقل به وسیله نفتکش میسرنبوده وتنهاراه انتقال خط لوله میباشد. همین مساله عامل وابستگی این کشورها به همسایگان از جمله روسیه وایران برای انتقال انرژی شده است. بعد از استقلال تقریبا همه جمهوریها برای حمل انرژی به شبکه های باقی مانده از دوران شوروی متکی بودند. امروزه ازآنجا که تقاضای جهانی انرژی در طی دهه های گذشته رشد قابل ملاحظه ای داشته است این منطقه توجه بسیاری از مصرف کنندگان انرژی را به خود جلب کرده است، همچنین با کشف میادین عظیم نفت و گاز درجمهوریها نیاز به احداث خطوط لوله جدید ضروری ترمی شود. جمهوریها نیز برای آنکه از زیر سایه سنگین روسیه خارج شوند تنوع در خطوط انتقال انرژی را از اولویتهای اصلی برنامه های اقتصادی خود قرار دادند. میتوان گفت دراین منطقه منابع انرژی، سیاست و اقتصاد به هم گره خورده است.

از راههای مهم دیگر، انتقال انرژی این منطقه راه ایران است یعنی با عبورخط لوله از ایران، نفت و گاز خود را به ساحل خلیج فارس رسانده و از آنجا با نفتکش به کشورهای متقاضی ارسال نمایند یا بوسیله سواپ با ایران انرژی خود را صادر کنند کاری که به میزان محدودی بین ایران و ترکمنستان و ایران و قزاقستان انجام میشود. امابه لحاظ سیاسی، تیرگی روابط

میان ایران وایالات متحده اجرای هر گونه برنامه ها ی انتقال انرژی در اندازه کلان را ازطریق ایران ناممکن ساخته است.

امروزه در بین انرژیها ، گاز بدلیل آلایندگی کمتر ، حمل و نقل آســانتر و پایین بودن قیمت آن در مقایســه با نفت ، متقاضی بیشتری داشته و مصرف گازطبیعی ســریعترین رشد را میان ســایر کالاهای حامل انرژی دارد. آسیای مرکزی از مناطقی اســت که دارای ذخار گازی بالایی اســت . چیزی که حیات اقتصادی کشورهای صنعتی به آن وابسته است. بر این اساس اروپا ، آمریکا و کشــورهای جنوب و شرق آســیا از بازارهای اصلی وبزرگ مصرف گاز آسیای مرکزی بشمار میروند.

جدول شماره ۱ –ذخایر گاز آسیای مرکزی

رتبه	خزر	ذخائر (تریلیون مترمکعب)	سهم ذخایر (درصد)
۱	روسیه	۴۴/۶	٪ ۲۱/۴
۲	ترکمنستان	۲۴/۳	٪ ۱۱/۷
۳	قزاقستان	۱/۹	٪ ۰/۹
۴	قرقیزستان	۱/۳	٪ ۰/۶
۵	ازبکستان	۵۶/۶	۱/۶

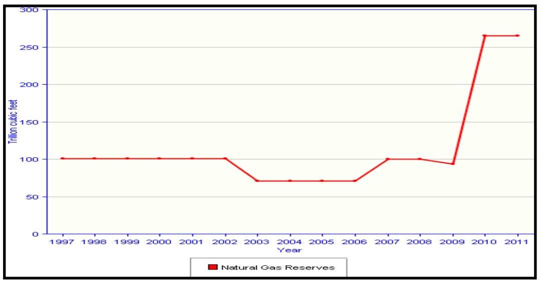
منبع: ۲۰۱۱ BP Statistical Review of World Energy June

جدول فوق موید این مطلب است که در بین کشورهای آسیای مرکزی ترکمنستان بعد از روسیه بیشترین ذخایر گازی را دارد . هم چنین این کشوردر سطح جهانی نیز بعد از روسیه ، ایران وقطر در جایگاه چهارم جهانی قرار دارد.

ترکمنستان ، ذخایر ، تولید و صادرات گاز :

ترکمنســتان منابع غنی گازطبیعی دارد و ذخایــر گاز آن به مراتب بیشتر از نفت است بهمین دلیل اهمیت زیادی در بازار جهانی انرژی دارد. کشــف میادین مهم گازی که در ســال ۲۰۰۶ با کشــف میدان یولتان در نزدیکی میدان عظیم گازی دولت آباد در نزدیکــی مرز ایران به اوج خود رســید ، موجب تبدیل شدن ترکمنســتان به کانون توجه کشورهای مصر ف کننده انرژی بویژه اروپا و آسیای جنوب شرقی شد. هم اکنون با گذشت بیش از ۲۰ سال ازاســتقلال ترکمنستان از شوروی ، این کشــور تلاش زیادی رابرای ســرمایه گذاری درزمینه اکتشــاف وبهره برداری ازمیادین گازی خود به ویژه درحوزه های خزری قــره گلدنیز، دیاربکروچلگن انجام داده اســت و خود را آمــاده ورود قدرتمند به عرصــه تولیدکنندگان بزرگ انرژی در جهان می کند. همین امر چشم‌انداز نسبتا روشنی را پیش روی عشق آباد قرار داده است.

نمودار شماره ۱ –ذخایر گازی ترکمنستان



منبع : EIA, International Energy Statistics

میزان ذخایر گاز ترکمنســتان در سال ۲۰۱۱ ، ۲۴/۳ تریلیون متر مکعب بود که معادل ۱۱/۷ درصد کل ذخایر دنیا میشود . بنابراین این کشــوردرمیان کشــورهای تازه استقلال یافته ، بعد ازروســیه دومین کشور و درســطح جهان بعد از روسیه ، ایران و قطر چهارمین دارنده ذخایر گاز طبیعی به شمارمیرود .(BP,۲۰۱۱)این کشــور از ذخایرناشــناخته شــده ای نیز برخوردار است که با کشــف آنها حجم ذخایر گازی این کشور افزایش قابــل توجهی پیــدا خواهد کرد. ذخایــر گاز طبیعی ترکمنستان تقریبا در سراســر خاک این کشورپراکنده ا ست. اما عمده میادیــن هیدروکربنی ترکمنســتان ، میادین گازی است که در بخش جنوب شرقی و شــمال شرقی آن متمرکز است از جمله :

۱– منطقه دولت آباد – دون مز در جنوبشرق ترکمنستان که بزرگترین منطقه گازی ترکمنستان محسوب میشود.

۲– میدان یولتان جنوبــی در نزدیکی میــدان عظیم گازی دولت آباد درجنوب شرقی ترکمنستان

۳– منابع گازی دیگر ترکمنستان عبارتند از سویت آباد در ۲۴ ک.م جنوب دولت آباد– دون مز ، شاشــلیک ، مالی ، سامان تپه ، نایبک ، قرپیچلی و آچاک در شرق کشور ، قطور تپه وکریجه در غرب کشور میباشــد. هم چنین میدان های گازی درحوزه مرغاب در مرکز کشور وحوزه یاشلار که حاوی مقادیر عظیمی از گاز هستند.

تولید گاز ترکمنستان

تا ســال ۱۹۹۰.م میزان تولید گاز ترکمنســتان بــالا بود اما از آن جا که کلیه خطــوط مرتبط کننده منطقــه به بازارهای جهانی تحت مالکیت شــرکت گاز پروم بود و از مسیر روسیه عبور می کرد ، گاز طبیعی جمهوری ترکمنســتان از دسترسی

به بازار محروم گردید. در نتیجه انگیزه های ترکمنستان برای افزایش تولید گاز طبیعی خود از بین رفت وتولید گاز این کشور در سراسر دهه ۱۹۹۰ کاهش پیدا کرد. ترکمنستان درسال ۲۰۰۲ کنسرسیومی برای فعالیت اکتشافی وتولید درآبهای جنوبی خزر تشکیل داد و مدعی شد که تا سال ۲۰۱۵ تولید گازطبیعی این کشوردرآبهای خزررا افزایش چشم گیری خواهد یافت واین موضوع، گازپروم رابه مشارکت درتولید گازطبیعی درآبهای خزرتشویق کرد.

در سال ۲۰۰۸ با تولید۶۶/۱ میلیارد مترمکعب رتبه ۱۳ جهان، در۲۰۰۹ با ۳۶/۴ میلیارد مترمکعب تولید رتبه ۲۳ جهان و در ۲۰۱۰، با ۴۲/۴ میلیارد مترمکعب تولیدگاز رتبه ۲۱ دنیا و در سال ۲۰۱۱، با ۵۹/۵ میلیارد متر مکعب تولید که معادل ۱/۸ کل تولید جهان میشد رتبه ۱۴ جهانی را دارا بوده است. (Bp ۲۰۱۱,) براساس پیش بینی های انجام شده تولید گاز ترکمنستان درسال ۲۰۲۰ به بیش از ۱۳۰ میلیارد مترمکعب افزایش خواهد یافت که با توجه به پیش بینی مصرف ۴۲ میلیارد مترمکعبی این کشوردرسال مزبور، بیش از ۹۰ میلیارد مترمکعب گاز تولیدی این کشوربه صادرات اختصاص خواهد یافت.(شادی وند، ۱۳۸۹) اما این کشور تاکنون به سبب فقدان خطوط لوله صادراتی و نا مشخص بودن تقسیمات خزر، مانند دیگر جمهوریها درجذب سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز و بهره گیری از ذخائر نفت و گاز خود چندان موفق نبوده است واین امر موجب کاهش تولید این کشور شده و هنوز درردیف تولید کنندگان کوچک انرژی قرار دارد.

صادرات گاز و مسیر های صادرات گاز ترکمنستان

درگذشته این کشوربرای صدور گازطبیعی، تقریباً به طور کامل متکی بر خطوط لوله ی روسیه بود. همین مساله قدرت چانه‌زنی این کشور را کاهش میداد. امروزه ترکمنستان به همکاری با شرکتهای خارجی امید بسته است. منابع گازی این کشور به سرمایه گذاری شرکت‌های خارجی وحضور فنّاوری‌های جدید برای تولید بهینه نیاز دارند. هدف اینست که علاوه بر افزایش تولید، با دیپلماسی فعال بازارهای جدیدی را برای صادرات گاز خود در اختیار گیرد .اما همچنان برای صادرات گاز خود با موانعی مواجه است که مهمترین آن نبود مسیرهای متنوع انتقال انرژی است. میزان صادرات گاز ترکمنستان در سال ۲۰۱۱، ۳۴/۶ میلیاردمتر مکعب بود.

مسیرهای صادرات گاز ترکمنستان

در آوریل ۲۰۰۹، هنگامی که روسیه ناگهان واردات گاز طبیعی ترکمنستان را به دلایل مختلف نظیر کاهش تقاضای گاز اروپا متوقف کرد باعث افت هشتادوچهار درصدی صادرات گاز ترکمنستان شد و این امر ضربه شدیدی برای اقتصاد این کشور بود. همین مسایل باعث شده تا این کشور اکنون تنوعبخشی به مسیر صادرات گاز را استراتژی اصلی خود قرار داده و هدفش را دستیابی به بازارهای متنوعی از اروپا، چین و هند در کنار گزینه‌های کنونی یعنی ایران و روسیه اعلام کرد. این کشور گرچه در کسب بازار جهانی تا حدودی موفق بوده، اما هنوز برای یافتن بازار مطبوع خود مشکلات زیادی دارد. از دلایل اصلی آنهم شرایط ژئوپولتیک و شرایط قیمت‌گذاری این کشور برای گاز هستند. (زارچی کریمی، ۱۳۸۹)

ترکمنستان بدلیل محصور بودن در خشکی مسیرهای مطمئنی برای انتقال انرژی به بازارهای جهانی ندارد و به کشورهای دیگربویژه مسیرهای روسیه متکی است. متنوع ساختن مسیرهای انتقال انرژی بهترین روش برای مقابله با این مشکل است. این کشور میتواند گاز خود را از ۴ مسیر به بازارهای جهانی صادر کند :

۱– مسیر غرب: روسیه بزرگترین بازار گاز کشور ترکمنستان را تشکیل می‌دهد. گازپروم مهمترین خریدار گاز ترکمنستان است و این شرکت روسی گاز ترکمنستان را به اوکراین و بخشی از آن را به اتحادیه اروپا صادر می کند. (همان) ترکمنستان در سالهای گذشته تلاش زیادی برای خروج از استیلای روسیه در این زمینه انجام داده است.

۲ – مسیر شرق: این مسیر برای دستیابی به بازارهای چین و ژاپن که مسیری طولانی و پرهزینه است. گر چه خط لوله ۷۰۰۰ ک.م که با عبور از ازبکستان و قزاقستان به منطقه سین چیانک در شرق چین می رسد و یکی از خطوط طولانی انتقال انرژی دنیاست در تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۰۹ (آذر ۱۳۸۹) با حضور سران کشورهای ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان و چین راهاندازی شد.

۳– مسیر جنوب: با عبوراز ایران به دریای عمان میرسد. اما تاکنون بدلیل مخالفتهای آمریکا با همکاری ایران با کشورهای حوزه خزر در زمینه انرژی به نتیجه نرسیده است.

۴– مسیر جنوب شرقی: با گذشتن از افغانستان و پاکستان به ساحل عمان میرسد و یا میتواند درادامه خشکی پاکستان به هند برسد. (تاپی) این مسیر هم بدلایل متعددی چون جنگ و نا آرامیهای سیاسی در افغانستان و تنشهای موجود در روابط هند و پاکستان، با مشکلاتی همراه است.

انتقال گاز ترکمنستان به هند

اندیشه احداث خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به هند از مسیر افغانستان و پاکستان از سال ها پیش وجود داشته است. در واقع نیاز فزاینده‌ی ترکمنستان برای یافتن بازارهای جهانی جهت صادرات گاز و کاهش وابستگی به روسیه بود که در گام اول، اولین بار فکر ظهور خط لوله‌ی گاز تاپی را درسال ۱۹۹۳ مطرح کرد وشرکت یونوکال بعنوان مجری این پروژه وارد

شد.

خط لوله بطول ۱۶۸۰ کیلومتر کـــه از میدان گازی دولت آباد ترکمنســـتان آغاز و موازی با بزرگراه هرات از افغانســـتان به قندهارو پس از آن در پاکستان از شهر کویته به مولتان هند می رسید. ناآرامی سیاسی درافغانستان و اقدامات خشونت طلبانه طالبان موجب شد این شـــرکت در ۱۹۹۸ خود را از پروژه کنار بکشد .در روز ۳۰ می سال ۲۰۰۲ بار دیگر احداث خط لوله گاز مطرح شـــد و در نتیجه تلاش های دولت افغانستان، نشست های چند جانبه ای برگزار شد و مقامات پاکستان، افغانستان و ترکمنستان موافقتنامه ای را در زمینه انتقال ذخایر گسترده گاز آســـیای مرکزی امضا کردنـــد. پـــس از آن در ۱۶ فوریه ،۲۰۰۶ توافق رسمی بر سر احداث خط لوله گاز ترکمنستان به پاکستان به عمل آمد.

بر این اســـاس سه دولت افغانستان، پاکســـتان و ترکمنستان موافقت رســـمی خـــود را بـــا احداث خـــط لولـــه ای که گاز ترکمنستان را از طریق خاک افغانســـتان به پاکستان منتقل کند، اعلام نمودند.

ســـرانجام بعد از آن مذاکرات متعددی نهایتا در ۱۱ دســـامبر ۲۰۱۰. م موافقـــت نامه نهایی برای ســـاخت خط لوله گازی تاپی از سوی سران کشـــورهای حاضر در این پروژه در عشق آباد امضا شـــد. ظرفیت انتقال این خط لولـــه ۳۳ میلیارد متر مکعب پیش بینی شد.

(رمضان زاده و حسینی، ۱۳۸۹) هزینه احداث آن نیز حدود ۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار برآورد شده است. علاوه بر آمریکا بانک توسعه آســـیا (ای دی بی) نیز از حامیان این طرح است و از ســـال ۲۰۰۲ به عنوان دبیرخانه این پـــروژه و هماهنگ کننده این پـــروژه بودجه اولیـــه اجرای این پـــروژه را تامین و مطالعات اولیه درباره امکان ســـنجی این پـــروژه را انجام داده است. طی سالهای گذشـــته مذاکرات و تفاهم نامه های متعدد بین ۴ کشور برای عملی شدن این طرح صورت گرفت اما عواملی از جمله درگیریها در افغانســـتان و اختلافات هند وپاکستان مانع از رسیدن به یک توافق نهایی در این زمینه شد

مسیر لوله تاپی



منبع: www.eia.gov

تقاضای فزاینده انرژی در هند

در جنوب آسیا هند با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و ۲۲۱ میلیون نفر و مســـاحتی بالغ بر ۳ میلیـــون و ۲۸۷ هـــزار کیلومتر مربع ازمتقاضیان بزرگ انرژی محسوب میشـــود .در کنار آن جهش اقتصادی هند پس از دهه ۱۹۹۰ و افزایش سطح زندگی در دهه های اخیر موجب افزایش سریع تقاضای انرژی در این کشور شد بطوریکه تامین انرژی و امنیت انرژی به دغدغه استراتژیک این کشور تبدیل شـــد. اقتصاد هند در طی سالهای ۲۰۰۰ میلیادی تا کنون به طور متوسط سالانه رشـــد ۷ درصدی را تجربه کرده اســـت. با توجه جهانی به گاز طبیعی بعنوان سوختی با آلودگی کمتر وحمل آسانترهند نیزآنرا بتدریج جایگزین دیگر سوختهای مصرفی میکند. بعلت تولید کم گاز در داخل، نیروگاه های تولید برق هند از زغال سنگ به عنوان منبع اصلی تولید انرژی استفاده می کنند که آلودگیهای زیســـت محیطی زیـــادی بهمراه دارد. واردات گاز هند در آینده افزایش پیدا میکند. بیشتر گاز مصرفی هند برای تولید برق استفاده میشـــود. بنابراین هند برای تامین انرژی بلند مدت به منظور تداوم رشد اقتصادی و رسیدن به نرخ رشد بالا ناگزیراست مناســـبات خود را با کشور های تولید کننده نفت و گاز تقویت کند و تولید کنندگان اصلی انرژی بویژه گاز در سیاست خارجی هند جایگاه ویژه ای می یابند.

نمودار شماره ۴—تولید و مصرف گاز هند

Billion cubic metr es BP Statistical Review of World Energy June ۲۰۱۱ منبع:

مصـــرف گاز هنـــد در ۲۰۱۱، ۶۱/۱ میلیـــارد متر مکعب اعلام شـــد اما با تولید ناچیز گاز در هند ناچارا ۱۷/۰۱ میلیارد متر مکعب آن از خارج وارد شـــد. بر اســـاس پیش بینی های آژانسهای بین المللی انرژی تقاضای گاز هند در سال ۲۰۳۰ به بیـــش از ۱۰۳ میلیارد متر مکعب در ســـال افزایش خواهد یافت. بر این اســـاس هند به گزینه های مختلف واردات گاز از بنگلادش، ایران، قطر، میانمار و ترکمنســـتان فکر میکند. آســـیای مرکزی از این جهـــت یکـــی از نزدیکترین منابع تأمین سوختهای فسیلی به هند اســـت که بواسطه دو کشور به مرزهای آن نزدیک می‌شـــود. افغانســـتان و پاکستان دو کشوری هســـتند که مانع از اتصال مســـتقیم هند به منطقه آسیای مرکزی می‌باشـــند. با وجود مشکلات عدیده دهلی‌نو با اســـلام‌آباد و مشـــکلات امنیتی افغانســـتان، بـــا اینحال هند با حمایت آمریکا و حتی روســـیه درصدد اســـت تا به این مهم جامه عمل بپوشـــاند. علاوه بر آنها گسترش تروریسم ،بنیادگرایی و افراطی‌گری و ســـرریزی آن به پاکســـتان و یا حتی کشمیر از جمله نگرانیهای امنیتی هند در آسیای مرکزی می‌باشـــد که میتواند بر جریان انتقال گاز به هند موثر باشد. از آنجا که هند به کشورهای آســـیای مرکزی بعنوان جایگزین انـــرژی خاورمیانه توجـــه دارد، کاهش وابســـتگی به انرژی خاورمیانه را نیز مد نظر دارد تـــا از بحرانهای خاورمیانه کمتر

تاثیر بگیرد. هند هر چند در گذشــته دلایلــی از جمله امنیت خط لوله، نامعین بودن روابط پاکســتان و هنــد، قیمت گاز وارداتی وخودکفایی تولیــد گاز داخلی هند را مطرح میکرد اما تلاش برای راه انــدازی و بهره برداری از خــط لوله گاز تاپی در ادامه سیاست‌های کلی این کشــور مبنی بر متنوع‌سازی و افزایش نقش‌های اقتصادی و سیاســی در جهان می‌باشد که طی سالیان اخیر در اولویت سیاســت خارجی هند قرار گرفته اســت. خط لوله گاز تاپی علاوه بر تأمین بخشی از نیازهای انرژی، به دهلی‌نو امکان ماندن در پهنه رقابت با کشــورهایی مانند چین را در عرصه اقتصاد و نیز بازنمــودن جای پایی در عرصه‌های سیاسی منطقه‌ای به خصوص در آسیای مرکزی را می‌دهد. از همین روی به نظر می‌رســد در سال‌های آینده منطقه آســیای مرکزی تحولات بیشــتری از حضور و نفوذ سیاســی و اقتصادی هند را تجربه خواهد کــرد. (همتی گل سفیدی ۱۳۸۹)

۲- تقاضای فزاینده انرژی در پاکستان

پاکســتان کشوری اســت با جمعیت روبه رشــد که همیشه با مشــکل تامین انرژی برای این جمعیت روبرو بوده اســت. بدلیل ناتوانی شــرکت دولتی توســعه نفت و گاز پاکســتان (او.جی.دی.ســی.ال) در دســتیابی بــه اهــداف خود در بخش عملیات حفــاری و تولید نفــت و گاز در پاکســتان، تولیدات این کشور طی چند سال گذشته به طور چشمگیری کاهش داشته اســت و به افزایش واردات سوخت منجرشده اســت. این مســاله موجب تعطیلی نیروگاه های برق شده و بسیاری از شهرهای بزرگ این کشور با مشکل روزانه ساعت ها قطعی برق (قطع ۱۲ ساعته برق) مواجه هستند. علاوه بر آن کمبود گاز در صنایع و تعطیلی صدها واحد صنعتی در کنار کســری تامین گاز خودروهای گاز سوز شده جمعا ضرر مالی و اقتصادی زیادی برای این کشور داشــته است. این عوامل موجب علاقه این کشور برای تامین گاز از همسایگان خود از جمله ایران و ترکمنستان شد.

بر اساس آمارBp میزان تولید ومصرف گاز پاکستان در طی ســالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ یکسان بوده اســت. بدین معنا که پاکســتان کمبود گاز مورد نیازش را بااســتفاده از انرژیهای ســنتی رفع میکرد. در ســال ۲۰۱۱ مصرف گاز پاکســتان، ۳۹/۲ میلیارد متر مکعب بود که درسالهای بعد افزایش یافت. بنابراین پاکســتان برای تامین نیاز خود مجبور به وارد کردن گاز است. این کشــور پروژه های خط لوله متنوعی را در نظر دارد، از جمله واردات گاز از ترکمنســتان، قطــر و ایران. اما موقعیت مالی ضعیف پاکستان تامین اعتبار برای پروژه های خط لوله را مشکل کرده اســت و این پروژه ها برای پاکستان توجیه اقتصادی نخواهد داشــت مگر اینکــه مقصد خط لوله کشور دیگری مانند هند باشد تا از عواید حاصل از حق ترانزیت آن استفاده کند. بنابراین این کشور دلایل قوی برای پذیرش خط لوله‌ی تاپی دارد وهدف اصلی از حضور خود در این طرح را تامین انــرژی مورد نیاز خود عنوان کرده اســت. عبور خط لوله ترکمنستان به هند از خاک پاکســتان، این کشور را قادر میســازد تا بخشــی از نیازهای خود به انرژی را از این طریق و با نرخ ارزانتر رفــع نمایند. همچنین موقعیت اســترتژیکی پاکســتان بعنوان یک کشــور گذرگاهی در تجــارت انرژی جهانی افزایش خواهد یافت.

نقش آمریکا در پروژه انتقال گاز ترکمنســتان به هند

در پرتو تحولات پس از تجزیه شــوروی کشــورهای حوز ه دریای خزر به گونه ای روزافزون مورد توجــه قرار گرفته اند. این منطقه را مکیندر قلب جهان و برژینســکی چاله ســیاه قدرت و یا بالکان اوراســیای مرکزی خوانده اند. (کولایی، ۱۳۸۹، ص ۸۰) پس از آن تلاشهای آمریکا برای توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در این کشورها آغاز شد به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ایالات متحده به صورت همزمان به دنبال دو هدف عمده در منطقه بوده اســت. گسترش حضور و نفوذ خود درمنطقه با گســترش ناتو در شرق و تلاش جهت کنترل فعالیتهای روســیه و ایران و اعمال تحریمها و منزو ی کردن ایران در منطقه.

با وجود اذعان مقامات آمریکایی به ظرفیت های بالقوه ایران بعنوان تنها کشــور ارتباط دهنده دو انبار تامین کننده انرژی ق ۲۱. م یعنی خلیج فارس و خزر، این امکان باید خنثی شود تا امنیت منطقه ای و جهانی مورد تفســیر آمریکا حفظ شود. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱) اغلب کارشناسان اقتصادی جهان مسیر ایران را نزدیــک ترین، ارزان ترین و امن ترین مســیر برای انتقال نفت و گاز خزر به شــرق، جنوب و جنوبشــرق آسیا و سواحل خلیج فارس میدانند اما آمریکا صراحتا با آن مخالفت میکند.

این کشــور برای رســیدن به اهداف اســتراتژیکی خود در خاورمیانه و جهــان، انزوای اقتصــادی و ژئوپلتیکی ایران را ضروری میداند و با دامن زدن به اختلافات ایران و کشورهای همســایه، مخالفت بــا هر گونه همــکاری انــرژی ایران با کشورهای جنوب و شرق آســیا و حمایت گسترده سیاسی - مالی از طرح هایی که نقش ایــران را نادیده میگیرد در تلاش برای تضعیف و حتی حذف نقش ایــران در انتقال انرژی خزر اســت. آمریکا علیرغم تشــویق هند و پاکســتان به کاهش تنش میان خود به روشــنی مخالفت خود را با مشارکت این دو کشور درامور انرژی با ایران اعلام کرده وخواستارعدم توافق پاکستان، هند و چین با ایران درباره خط لوله صلح شد. نتیجه

این تلاشها ، طرح مســیرهای دیگر برای انتقال انرژی خزر توسط آمریکا بود از جمله مسیر ترکمنســتان – افغانستان – پاکستان که در ادامه به هند میرسد (تاپی). همین نشاندهنده رجحان ملاحظات سیاسی بر ملاحظات اقتصادی است .

چالشهای پیش روی خط لوله تاپی

۱ –بی ثباتی داخلی افغانستان

مسیرافغانســتان برای تاسیس خط لوله سراســری به دلیل عبورلوله از کوهســتانهای فــراوان وبســیاردرهم پیچیده مسیرنامناســب وپرهزینه ای اســت . نبود زیر ســاختهای اقتصادی مناسب ، قاچاق مواد مخدرو مهمترازهمه جنگهای داخلی ، قومی ، مذهبی و حضور گروههای افراطی القاعده از جمله طالبان را نیز باید اضافه کرد . کوهســتانها ی افغانستان هم اکنون مکانی امن برای این نیروها محســوب می شوند و جنگنده های بدون سرنشــین آمریکا بطور مرتب این منطقه را به بهانه مبارزه بــا القاعده بمباران می کننــد . این عوامل مجموعا نگرانیهایی را برای هر ســه کشــور ترکمنســتان ، پاکســتان و هند بهمراه دارد .زیرا تاثیرات ایــن نا آرامیها در کل منطقه و بویژه در احــداث خط لوله گاز ترکمنســتان به هند و انتقــال گاز از آن کاملا قابل پیش بینی اســت . وجود چنین مشکلات امنیتی میتواند یکی از موانع اصلی مذاکرات بر سرعبورخط لوله گاز از مســیر افغانستان باشد. بنابراین رفع این اختلافات یکی از پیش شــرطهای ادامه مذاکرات برای عبورخط لوله ازمسیر افغانستان است . به نظر نمیرسد حتی با تسلط کامل حکومت برمناطق مختلف کشور، آرامش دائمی حداقل دریکی دودهه آینده به افغانستان باز گردد .

۲ –ناارامیهای داخلی پاکستان

حضور نیروهــای افراطی متعــدد با دیدگاههای سیاســی – مذهبی و قومی متفاوت و متعارض بســیاری از شهرهای این کشــور را به عرصه درگیری بین آنها بدل کرده اســت . شهرهایی زیادی در پاکســتان همه روزه شــاهد انفجارات زیادی هســتند از جمله منطقه کویته ، پیشاور و وزیرستان که هر ساله نیروهای نظامی و غیر نظامی زیادی در این انفجارات کشته میشوند . هم چنین وابســتگی پنهانی برخی از رهبران نیروهای متخاصم به سیاســیون و نیروهای ارتش پاکستان ، موجب شده در تحولات سیاســی این کشور تاثیر گذار باشند . وجود کودتاهای متعدد در طی دو ســه دهه گذشــته و تغییر مداوم نخســت وزیر موید این مســاله اســت . براین اساس پاکستان کشــوری بی ثبات بوده و دارای موقعیتی شکننده است .

طبق اطلاعات منــدرج در یــک گــزارش محرمانه دولت پاکســتان ، تعداد نیروهای مســلح گروههای اســلامگرای افراطی در شــمال غربی پاکســتان به ۶۰ تا ۹۰ هزار نفر بالغ می گردد و ارتش پاکســتان توان مقابله با آنها را ندارد . دلیل آنهم مســئله حل نشده کشــمیر اســت . زیرا بخش اعظم نیروهای ارتش پاکســتان در مرز با هند مســتقرند . از سوی دیگر برخورد ارتش پاکســتان نیز انتخابی است. باین معنی که فقط به مواضع برخی از گروههــای افراطی حمله میکند و با گروههای دیگر کاری ندارد . در ســالهای گذشــته بویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ، آمریکا پاکستان را بشدت زیر فشار می گذارد تا علیه گروههای خشونتگرای اسلامی در پاکستان فعالانه وارد عمل شــود در غیر این صورت ۱/۶ میلیارد کمک نظامی آمریکا به آن کشــورقطع خواهد شــد. پاکســتان که در مرز ورشکســتگی مالی دســت و پا میزند نمی تواند از این کمک مالی چشــم بپوشد . (ســایت نخبگان جوان ، ۱۳۸۹) انفجارات هــر روزه در پاکســتان و درگیری بین شــیعیان و گروههای افراطی ســنی مذهب ، حمــلات هواپیماهای بی سرنشین آمریکائی و عملیات تروریستی و متقابل طالبان در مناطق پر جمعیت به امری عادی و گویــا به یکی از واقعیات زندگی مردم این کشور مبدل شده است .از مجموع اینها چنین بر می آید که با وجود این بی ثباتی ها ی درونی در پاکســتان نمیتوان تاثیر منفی آن بر ایجاد لوله انتقال گاز ترکمنستان به هند از مسیر پاکستان را منکر شد . البته ممکن است پاکستان بدلیل درآمد زایی ناشی از ترانزیت لوله های گاز و برخورداری از نوعی موقعیت فرادستی در کانون مصرف و تولید ، بخواهد در صورت احداث این خطوط لوله تضمین کافی برای استفاده غیر سیاســی و غیر نظامی از آن را ارائه دهد امــا نمیتوان به تحقق عبور امن و بدون دغدغه و نگرانی لوله گاز تاپی حداقل در یک دهه آینده چندان خوش بین بود .

۳ –کشمکشهای بین هند و پاکستان

یکی از موانع مهم در اجرای این پروژه اختلافات دیرینه میان هند و پاکســتان اســت . با آنکه این پروژه منافع اقتصادی و سیاســی فراوانی برای پاکســتان و هند بهمراه خواهد دارد اما واقعیت این اســت کــه اختلافات و تنش هــای عمیق ایدئولوژیکی و ســرزمینی میان هند و پاکســتان بسیار زیاد است از جمله اختلافات هند و پاکستان بر سر کشمیر . از دیگر مسائل مهم میان دو کشور اختلاف بر سرحق ترانزیتی است که پاکســتان از دولت هند برای عبور خط لولــه و انتقال گاز دریافت خواهد کرد و در مقابل باید امنیــت انتقال گاز به هند را تامین کند . در صــورت توقف انتقال گاز پاکســتان باید به هند غرامت بپردازد .برای هند نیــز امنیت عرضه گاز اهمیت

بسیاری داردو با وجود مذاکرات فراوان اما بدلیل دغدغه‌های امنیتی در ارتباط با این پروژه و مســاله تروریسم در پاکستان، هنوز هنــد اطمینان کامل نداردو اعلام کــرده در صورتی که شــرکت‌های بزرگ بیمه بین‌المللی حاضر به پوشــش این پروژه ۷/۳ میلیارد دلاری شوند، آماده اجرای آن خواهد بود.

بنابراین هند در کنار مذاکرات با پاکستان بر سر عبور خط لوله گاز و برای کاهش وابستگی به یک گذر گاه و افزایش ضریب امنیت عرضه انرژی ، بخشی از نیاز انرژی خود را بگونه lng (با کشتی) و بیشتر از شــرکت پترونت (petronet) قطر وارد میکند. این نشانگر آنســت که در نقاطی که همکاریهای دو کشور دستخوش بحرانهای سیاسی شود ، واردات گاز هند به شــکل lng انجام شــود. (بهروزی فر وحاجی میرزایی ،۱۳۸۴) با این حال منافع مشترک دو کشور در صورت نهایی شــدن این پروژه و راه اندازی آن ، فرصت‌های ســودمندی برای گفت‌وگوی دو کشــورعرضه خواهد کــرد که می‌تواند به جریــان گفت‌وگوهای بزرگ‌تــر بینجامد و بــا وجود این مشکلات در صورتی که هند و پاکســتان حاضر به مشارکت در تاسیس چنین پروژه طویلی برای تامین گاز آینده خود شده باشند یعنی قطعا برای همیشه از دریافت گاز ایران صرف نظر کرده اند.

٤-اختلافات بر سر تعرفه گاز

علیرغم آنکه نرخ اعلام شده تحویل گاز ترکمنستان در نقاط مختلف مرزی مانند مرزهای ترکمنستان، مولتان افغانستان و هند از طریق یک توافقنامه بین‌المللی تعیین خواهد شــد اما بهای گاز وحق ترانزیت آن از گذشته تاکنون همچنان موضوع اصلی گفت‌وگوهای خط لوله تاپی بوده اســت . ترکمنستان تاکید بر ضــرورت وجود تفاوت میان بهــای گاز صادراتی به افغانستان ، پاکســتان و هند را دارد اما بقیه کشورهای حاضر در پروژه با آن مخالفنــد . در آوریل ۲۰۰۸ ، پاکســتان و هند قیمت ۲۰۰ دلار بــرای هر یکهزار مترمکعــب گاز وارداتی از ترکمنستان را در مرز ترکمنستان – افغانستان مطرح کردند ، اما ترکمنستان آنرا پائین تراز قیمت‌های بازار گازدانسته (شانا ، ۱۳۸۹) ونیزاعلام داشته که هیچ تعهدی بعد ازواگذاری گاز در مرزهای خود، اعم از مشــارکت در احداث خط لوله یا تعهد در قبال امنیت آن برعهده نخواهد گرفــت. در مذاکراتی که در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ بین کشورهای حاضر در اجرای خط لوله درباره گازبها و تعرفه ترانزیت گاز از مسیر این خط لوله صورت گرفت پاکســتان پیشنهاد یکســان بودن بهای گاز را برای همه کشورهای حاضر در این پروژه گازی (هند و افغانستان) مطرح و تاکید کرد تعرفه ترانزیت گاز نباید بخشی از بهای‌گاز در نظر گرفته شــوند. هم چنین با اعلام مخالفت خود درباره هماهنگی و ارتباط بهــای گاز با قیمت‌های ال.پی.جی و نفت خام تاکید کرد قیمت‌های گاز باید بــا قیمت‌های داخلی این ماده هماهنگ و مرتبط شود.

هند نیز درطول گفت‌وگوهای متعدد پیشنهاد هماهنگ‌سازی بهای گاز با قیمت‌های زغال سنگ را مطرح کرده و همچنین خواهان پرداخت گازبهای کمتری نسبت به هزینه‌های تمام شــده برای واردات گاز طبیعی مایع شــده (ال.ان.جی) شد. هند اعلام داشــت برای واردات هر یک میلیون بی تی یو گاز وارداتی با خط لوله تاپی ۴۹,۵ ســنت به عنوان تعرفه ترانزیت به هر یک از کشورهای افغانستان و پاکستان پرداخت خواهد کرد و اسلام آباد نیز مقدار مشابهی را به عنوان تعرفه ترانزیت به افغانســتان می پردازد. طرف دیگر افغانســتان است که حاضربه قبول هیچ گونه تعرفه ثابــت ترانزیت گاز با خط لوله تاپی نبود واعلام کرد ترجیح می دهــد که تعرفه ترانزیت گاز با بهای گاز مرتبط و هماهنگ شود .یعنی با افزایش و کاهش بهای گاز تعرفه آن نیز تغییر پیدا کند. (شانا ، ۱۳۹۰)

۵ – تلاش ایران برای جایگزینی لوله صلح

در چند ســال گذشــته یکی دیگر از دلایلی که برای توقف پیشــرفت خط لوله تاپــی مطرح شــد تلاش ایــران برای جایگزینــی لوله صلح به جــای تاپی بوده اســت. از آنجا که پاکستان همیشــه با مشــکل تامین انرژی روبرو بوده است و رسیدن به توافق بر ســر لوله تاپی نیز به ســالها زمان احتیاج است ، این کشــورقصد دارد برای تامین بخش مهمی از نیاز انرژی خود گاز طبیعی را از طریق خــط لوله از ایران وارد کند. ایران نیز با آگاهی از این قضیه سالهاســت که برای انتقال گاز خود به شبه قاره سرمایه گذاری کرده، هزینه و صبوری زیادی به خرج داده و مذاکرات متعددی با پاکستان و هند انجام داده است.

طبق برنامه قــرار بود امور ســاخت پروژه خــط لوله ۱۴۰۰ کیلومتری موسوم به خط لوله صلح مابین ایران و پاکستان تا پایان سال ۲۰۱۴ به پایان برســد. احداث خط لوله گاز طبیعی ایران و پاکســتان هزینه ای معادل هفت و نیــم میلیارد دلار درپی خواهد داشت. در پی اجرای پروژه مورد بحث از ایران به پاکستان در طول ۲۵ سال روزانه ۲۱ و نیم میلیون متر مکعب گاز طبیعی صادر خواهد شد. (شــفقنا ، ۱۳۹۱) اما اختلاف های تهران و اسلام آباد بر ســر بهای ترانزیت گاز و نیز اختلافات هند و پاکستان تاکنون مانع رسیدن به توافق نهایی در این زمینه شد . دراین بین افغانستان نگران اســت که تلاش های ایران برای پیش بردن پروژه مشابه و رقیب یعنی خط لوله صلح به توافقاتی با پاکستان منجر شــود. برخی مقام های وزارت صنعت و معدن افغانســتان حتی معتقدند که ایران یکی از مخالفان اجرای پروژه

تاپی اســت چون می خواهد زمینه فــروش گاز طبیعی خود را به پاکســتان و دیگر کشــورها فراهم کند . با توجه به دشمنی های تاریخی پاکســتان و هند و نیز اختلاف های اخیر افغانســتان و پاکستان در مورد تاپی ، توافق ایران و پاکستان بر سر لوله صلح ، افغانستان را از عواید حاصل از تزانزیت گاز خط لوله تاپی محروم میکند . کابل روی درآمد ناشی از انتقال این خط لوله حساب ویژه ای باز کرده ولی اکنون که اسلام آباد با دهلی و کابل میانه چندان مطلوبی ندارد و از ســویی روابط معتدل و آرامی بــا تهران دارد ، افغانستان نگران پروژه تاپی است و می گوید این ایران است که درحال مانع تراشی و اخلال در مســیر توافقات است تا دست کم انتقال گاز خود را تا پاکستان قطعی کند . پاکستان نیز مصمم است تا رسیدن به توافق نهایی با ایران به مذاکراتش با ایران ادامه دهد و البته در این زمینه باید بتواند نظر مساعد آمریکا را نیز جلب کند .

نتیجه گیری :

این طرح از حمایت بی‌شــائبه آمریکا برخورداراســت زیرا آمریکایی‌هــا برای عدم تحقــق طرح خط لولــه صلح که قرار بــود گاز حوزه پارس جنوبــی را از ایران به پاکســتان و هند منتقل کنــد ، از پروژه احداث خــط لوله تاپی حمایت به عمل می‌آورند .اما نباید فراموش کرد ســاخت یک خط لوله از درون یک منطقه ی پر از درگیری با بسیاری مداخله گری ها کار آسانی نیســت. حدود ۷۳۵ کیلومتر از خط لوله ۱۶۸۰ کیلومتری انتقال گاز ترکمنستان به جنوب آسیا (تی. ای.پی.آی) باید از کشور افغانستان و ۸۰۰ کیلومتر دیگر آن از پاکستان عبور کند که تامین امنیت آن یکی از نگرانی‌های اعضا بویــژه هند اســت . جنــگ در افغانســتان ، در کنار مشکلات امنیتی در پاکســتان و اختلافات هند و پاکستان از جمله موانع احداث این خط لوله محســوب میشــود . هم ترکمنســتان و هم افغانســتان، می خواهند سالانه میلیون ها دلار بابت نقــل و انتقال گاز درآمدزایــی کنند اما فضای متشنج سیاسی میان سه کشــور هند، افغانستان و پاکستان به قطعیت رسیدن این تفاهم را با شک و تردید همراه کرده اســت. (دیپلماســی ایرانی ، ۱۳۹۱) یک خط انتقال گاز تا حدی متوســط که از لحاظ اقتصادی مناسب به نظر برسد و از لحاظ امنیتی هم تامین شده باشد ممکن است که شانسی برای تبدیل شــدن به واقعیت داشته باشــد .اما در مورد این خط لوله نمیتوان با قاطعیت صحبت کرد .ترکمنستان نیزدر توافق نامه ای که با پاکستان و هند داشته است اعلام کرده که هیچ تعهدی بعد از واگــذاری گاز در مرزهای خود، اعم از مشــارکت دراحداث خط لوله ، یا تعهد در قبال امنیت آن برعهده نخواهد گرفت . (خبرگزاری مهر ، ۱۳۸۹) بنابراین همان گونه که توافق نهایی میان هند و پاکستان ، درباره خط لوله صلح با مشــکلات و چالش‌های مختلفی همراه است ، به احتمال زیاد درباره این طرح نیز چالش‌های بیشــماری میان دو کشــوروجودخواهد داشــت . این پروژه برای یک مسیر خطرناکی شبیه این بسیار بلندپروازانه جلوه می کند . با آن که پروژه ساخت خط لوله تاپی در صورت اجرایی شدن، جهش بزرگــی در ارزآوری برای دولت ترکمنســتان ایجاد خواهد کرد ، اما با وجودمشکلات ذکر شــده به نظر میرسد این پروژه همچنان در حد یک طرح روی کاغذ باقی بماند و کم کم به باد فراموشی سپرده شود .

در سوی دیگر این مســاله ایران قرار دارد که جفری کمپ آنرا مرکــز ژئوپولتیک جهــان معرفی میکنــد . (کمپ و هارکاوی ، ۱۳۸۳) ایران علاوه بر داشــتن ذخایرغنی گاز ، هم به تولیــد کنندگان بــزرگ گاز یعنی روســیه ، قطر و ترکمنستان نزدیک است هم به مصرف کنندگان بزرگ گاز چون اروپا در غرب و چین و هند در شــرق . بنابراین میتواند با صدور گاز به کشورهای جنوب و شــرق آسیا بویژه چین و هند و پاکســتان نقش مهمی در تامین نیازآنها ایفا کند . هم چنین بدلیل دسترسی به اقیانوس ها از طریق دریای عمان براحتی میتواند از هر دو شــیوه انتقال گاز (بــا خط لوله و با کشتی) بهره ببرد . (آذری و ابراهیمی ، ۱۳۸۸)

در این شــرایط میتوان به تامین امنیت انــرژی برای ایران امید وار بود . یکــی از ابزارهای تامین امنیــت انرژی برای ایران استفاده از دیپلماســی انرژی است . در این زمینه جلب سرمایه گذاری خارجی و افزایش صادرات باید مد نظر باشد . امروزه ســرمایه گذاریهای زیادی در بخش انرژی منطقه در جریان اســت که بازار رقابتی جــدی را پیش روی ایران قرار میدهد و آمادگی در این زمینه ضروری است . در دنیای امروز رفتار تجــاری نیاز به ابزارها و اهــرم هایی جدید دارد ابزارهایی که با اتکا به راهبردهــای علمی در اختیار اقتصاد قرار میگیــرد ، در غیر اینصورت بدون شــک بخش بزرگی از بازارهای جهانی به ســادگی از دســت می رود . (آذری و ابراهیمی ، ۱۳۸۶)

امروزه به نظر میرسد نقش ایران در منطقه علیرغم مخالفت آمریکا اما به علت ذخایر بالای انــرژی بویژه گاز و موقعیت اســتراتژیک جغرافیایی و نیز قدرت بالای چانه زنی منطقه ای هم چنان مهــم و قابل اعتنا بماند . با توجه به زیر فشــار بودن کشــورهای منطقه در خصوص همــکاری با ایران ، موضوع صادرات انحصاری از مسیر ایران فعلامنتفی و فقط به عنوان یکی از مســیرهای صادرات روی ایران حساب باز می شــود . اما همچنان رقیب جدی برای کشورهای منطقه در فــروش گاز به بازارهای مصرف محســوب میشــود . (نوبخت و قدیمی ،۱۳۸۷)

منابع:

۱ – آذری، مصطفی و ایلناز ابراهیمی، ۱۳۸۸، سازمان کشورهای صادر کننده گاز، شکل گیری، فرصتها و تهدیدها، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد
۲ – آذری، مصطفی و ایلناز ابراهیمی، ۱۳۸۶، چشم انداز انرژی در خاورمیانه و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد
۳ – اتوتایل، ژ و همکاران، ۱۳۸۰، «اندیشه های ژئوپلتیک در قرن بیست و یکم»، ترجمه محمد رضا حافظ نیا وهاشم نصیری، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
۴ – افشردی، محمد حسین، ۱۳۸۱، ژئوپلتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد
۵ – اینترنت، ۱۳۸۹، سایت علمی نخبگان جوان ، آمریکا در افپاک افغانستان و پاکستان چه می خواهد
۶ –اینترنت، سایت ویکی پدیا
۷ –اینترنت، ۱۳۸۹، خبرگزاری مهر، شرایط سخت ترکمنستان در طرح تاپی
۸ – اینترنت، ۱۳۸۹، سایت روابط عمومی وزارت نفت (شانا)، علاقه مندی چین برای سرمایه گذاری در خط لوله ایران – پاکستان، دوشنبه ۹ فروردین
۹ – اینترنت، ۱۳۹۰، روابط عمومی وزارت نفت (شانا)، پارلمان افغانستان توافقنامه خط لوله تاپی را تصویب کرد
۱۰ –اینترنت، ۱۳۹۱، سایت شفقنا، واکنش آمریکا به پروژه احداث خط لوله گاز ایران به پاکستان
۱۱ –اینترنت، ۱۳۹۱، سایت دیپلماسی ایرانی، اهمیت سفر زرداری برای ایران و افغانستان
۱۲ – بهروزی فر، مرتضی و سید محمد علی حاجی میرزایی، ۱۳۸۴، بازارهای جهانی گاز طبیعی و برنامه های صادرات گاز ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۴–۲۲۳
۱۳ – حافظ نیا، م.ر، ۱۳۸۵، «اصول و مفاهیم ژئوپلتیک»، مشهد، پاپلی
۱۴– رمضان زاده، عبدالله و سید حمید حسینی، ۱۳۸۹، جایگاه گازپروم در راهبرد انرژی روسیه، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۳، شماره ۶)
۱۵ –زارچی کریمی، مجتبی، ۱۳۸۹، صادرات گاز ترکمنستان از منظر ژئوپلتیک و نقش ایران، ۱۳۸۹
۱۶ – شادی وند، قادر، ۱۳۸۹، بررسی تحولات ساختاری صنعت نفت و گاز ترکمنستان، معاونت برنامه ریزی وزارت نفت، شماره ۱۳۴، ص ۳۰–۲۴
۱۷ – شربیانی، قوام، ۱۳۸۷، امنیت ایران و رویکرد ناتو در آسیای مرکزی، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه
۱۸ – عزتی، عزت الله، ۱۳۸۹، ژئواستراتژی، جزوه درسی دوره دکتری دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران
۱۹ – کریمی پور، یدالله، ۱۳۸۵، تحلیل ژئوپلتیکی بحرانهای سیستان و بلوچستان، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس
۲۰ – کولایی، الهه، ۱۳۸۹، نقش ایران در امنیت انرژی در منطقه و جهان، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهررضا، شماره چهارم
۲۱ – کمپ، ج و هارکاوی، ر، ۱۳۸۳، «جغرافیای استراتژیک خاورمیانه» ترجمه سید مهدی حسینی متین، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲۲ – مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، انتشارات سمت
۲۳ – نوبخت، محمد باقر و خلیل قدیمی، ۱۳۸۷، منطقه آزاد انرژی در ایران امکان سنجی و تاثیرات، ناشر معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد دفتر گسترش تولید علم
۲۴– همتی گل سفیدی، حجت الله، ۱۳۸۹، روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای، خط لوله تاپی – هند در آسیای مرکزی
۲۵– BP Statistical Review of World Energy June ۲۰۱۱
۲۶ - EIA, International Energy Statistics ۳۱
۲۷ - EIA.gov